



Review Article

Antecedents and Consequences of Human Resource Turnover in Public Sector Organizations: A Scoping Review and Qualitative Meta-Synthesis

Tayebeh Hosseini¹ , Masoud Bastami^{2*} , Saman Sheikh Esmaili³

1. Ph.D. Candidate, Department of Management, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran
2. Ph.D., Department of Management, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran
3. Department of Management, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Article History:

Received: December 29, 2025

Revised: June 2, 2026

Accepted: June 22, 2026



***Corresponding Author:** Masoud Bastami,
Ph.D., Department of Management, Sa.C.,
Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

E-mail: mbastami5@gmail.com

Abstract

Background and Aim: Employee turnover constitutes a critical and multifaceted challenge in public sector organizations, with significant implications for workforce stability, organizational productivity, employee psychological well-being, and the quality of public service delivery. This phenomenon arises not solely from individual or organizational factors, but from the interaction of institutional, regulatory, and managerial structures within the public sector, alongside employees' lived experiences. This study aimed to identify and synthesize the antecedents and consequences of human resource turnover in Iranian public organizations through a scoping review and qualitative meta-synthesis.

Materials and Methods: In accordance with the PRISMA 2020 guidelines, this study systematically reviewed qualitative and mixed-methods research published between 2015 and 2025. Relevant studies were retrieved from international and Persian-language databases. Following a structured screening and quality appraisal process, data were extracted and analyzed using thematic analysis and qualitative meta-synthesis.

Results: The results indicate that the antecedents of employee turnover can be classified into five main dimensions, namely structural and institutional factors; human resource management policies and practices; leadership style and organizational culture; job-related and workplace conditions; as well as individual and psychological factors. The consequences of turnover were observed at both individual and organizational levels, particularly affecting job satisfaction, organizational commitment, motivation, productivity, and the quality of public services.

Conclusion: Effective management of human resource turnover requires a strategic, transparent, and competency-based approach. Such an approach can enhance employee psychological well-being, promote organizational sustainability, and improve overall productivity in public sector organizations.

Keywords: Antecedents, Consequences, Human resource turnover, Public organizations, Qualitative meta-synthesis, Scoping review

Please cite this article as follows: Hosseini T, Bastami M, Sheikh Esmaili S. Antecedents and Consequences of Human Resource Turnover in Public Sector Organizations: A Scoping Review and Qualitative Meta-Synthesis. SJPP. 2026;13(2):203-226.



پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی: یک مرور دامنه‌ای و فراترکیب کیفی

طیبه حسینی^۱، مسعود بسطامی^{۲*}، سامان شیخ اسمعیلی^۳

۱. دانشجوی دکترای مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲. دکترای تخصصی، گروه مدیریت، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۳. گروه مدیریت، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

چکیده

زمینه و هدف: جابه‌جایی منابع انسانی یکی از پدیده‌های مهم و چالش‌برانگیز در سازمان‌های دولتی است که پیامدهای قابل توجهی برای ثبات نیروی کار، بهره‌وری سازمانی، سلامت روان کارکنان و کیفیت ارائه خدمات عمومی دارد. این پدیده صرفاً ناشی از عوامل فردی یا سازمانی نیست، بلکه در بسترهای نهادی، قانونی و مدیریتی بخش عمومی و در تعامل با تجربه‌های روان‌شناختی کارکنان شکل می‌گیرد. هدف این مطالعه شناسایی و یکپارچه‌سازی پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران با استفاده از رویکرد مرور دامنه‌ای و فراترکیب کیفی است.

مواد و روش‌ها: پژوهش براساس دستورالعمل‌های PRISMA 2020 انجام شد و مطالعات کیفی و آمیخته منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ از پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی و فارسی شناسایی و بررسی شدند. پس از غربالگری نظام‌مند، ارزیابی کیفیت و استخراج داده‌ها، تحلیل مضمون و فراترکیب کیفی انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در پنج بعد اصلی شامل عوامل ساختاری و نهادی، سیاست‌ها و رویه‌های مدیریت منابع انسانی، سبک رهبری و فرهنگ سازمانی، عوامل شغلی و محیط کار، و عوامل فردی و روان‌شناختی قابل طبقه‌بندی هستند. همچنین، پسایندهای جابه‌جایی در دو سطح فردی و سازمانی شناسایی شد که مهم‌ترین آن‌ها تغییر در رضایت شغلی، تعهد سازمانی، انگیزش، بهره‌وری و کیفیت خدمات عمومی است.

نتیجه‌گیری: درمجموع، مدیریت اثربخش جابه‌جایی منابع انسانی مستلزم رویکردی راهبردی، شفاف و مبتنی بر شایستگی است که می‌تواند ضمن ارتقای بهره‌وری، به بهبود سلامت روان و بهزیستی روان‌شناختی کارکنان و پایداری سازمان‌های دولتی منجر شود.

واژگان کلیدی: جابه‌جایی منابع انسانی، سازمان‌های دولتی، پیشایندها، پسایندها، مرور دامنه‌ای، فراترکیب کیفی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸

ویرایش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

*نویسنده مسئول: مسعود بسطامی، دکترای تخصصی، گروه مدیریت، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

ایمیل:

mbastami5@gmail.com

استناد: حسینی، طیبه؛ بسطامی، مسعود؛ شیخ اسمعیلی، سامان. پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی: یک مرور دامنه‌ای و فراترکیب کیفی. دوماهنامه علمی پژوهشی روانشناسی و روانپزشکی شناخت، خرداد و تیر ۱۴۰۵؛ ۱۳(۲): ۲۰۳-۲۲۶.

مقدمه

تا جابه‌جایی واکنشی و سیاسی متغیر باشد (Lotfiyan et al., 2021; Zeraatkar et al., 2025). اهمیت این موضوع از آن جهت است که کیفیت مدیریت جابه‌جایی منابع انسانی نه تنها بر بهره‌وری و کارایی سازمان اثر می‌گذارد، بلکه بر توسعه حرفه‌ای، رضایت شغلی و تعهد کارکنان نیز تأثیر مستقیم دارد.

جابه‌جایی منابع انسانی یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال اثرگذارترین پدیده‌ها در مدیریت منابع انسانی سازمان‌های دولتی محسوب می‌شود. این فرایند چندبعدی، تحت تأثیر ترکیبی از عوامل ساختاری، مدیریتی، فردی، فرهنگی و نهادی شکل می‌گیرد و ماهیت آن می‌تواند از جابه‌جایی برنامه‌ریزی شده و شایستگی‌محور

بستر نهادی و محیطی شامل تغییرات سیاسی، الزامات نظارتی، تفاوت‌های مزدی و شرایط جغرافیایی، می‌تواند فرایند جابه‌جایی را تحت‌تأثیر قرار داده و پیامدهای دوجبه‌ای در سطح فردی و سازمانی ایجاد کند (Aghaz et al., 2017; Zamanzadeh et al., 2020).

اگرچه پژوهش‌های متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر جابه‌جایی، نگهداشت کارکنان، رضایت شغلی و بهره‌وری منابع انسانی در سازمان‌های دولتی پرداخته‌اند، شواهد موجود نشان می‌دهد این مطالعات عمدتاً بر ابعاد منفرد مدیریت منابع انسانی متمرکز بوده و در بسیاری از موارد فاقد چهارچوبی یکپارچه برای تبیین هم‌زمان پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی هستند (Knies et al., 2024). افزون‌براین، بخش قابل‌توجهی از مطالعات موجود در بسترهای سازمانی خاص انجام شده و یافته‌های آنها ماهیتی زمینه‌محور دارد؛ ازاین‌رو، نیاز به تلفیق و سنتز نظام‌مند شواهد به‌منظور دستیابی به درکی جامع از این پدیده احساس می‌شود (Truss et al., 2012). ازسوی دیگر، سازمان‌های دولتی با چالش‌هایی همچون محدودیت در جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص، ضعف نظام جانشین‌پروری، محدودیت فرصت‌های ارتقای شغلی و افزایش انتظارات شهروندان نسبت به کیفیت خدمات عمومی مواجه‌اند (Perry et al., 2010; Rainey, 2020). در چنین شرایطی، شناسایی نظام‌مند عوامل شکل‌دهنده جابه‌جایی منابع انسانی و پیامدهای آن می‌تواند مبنایی برای طراحی سیاست‌های اثربخش‌تر در حوزه مدیریت سرمایه انسانی فراهم سازد. بنابراین، فقدان یک چهارچوب تلفیقی مبتنی‌بر شواهد، ضرورت انجام مرور دامنه‌ای و فراترکیب کیفی حاضر را برای تجمیع و یکپارچه‌سازی دانش موجود آشکار می‌سازد.

با توجه به اهمیت و پیچیدگی این موضوع، درک پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی ضروری است. تحلیل این عوامل و پیامدها می‌تواند زمینه‌ساز طراحی سیاست‌های مدیریتی هدفمند، ارتقای بهره‌وری سازمانی و توسعه مسیر حرفه‌ای کارکنان شود. بر این اساس، این مطالعه با استفاده از مرور دامنه‌ای و فراترکیب کیفی، به بررسی پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران می‌پردازد و مدلی مفهومی برای تبیین پیامدهای دوجبه‌ای این پدیده ارائه می‌کند. در این راستا، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مرور دامنه‌ای و فراترکیب کیفی انجام شد. مرور دامنه‌ای برای شناسایی و دسته‌بندی نظام‌مند مطالعات موجود و فراترکیب کیفی برای تلفیق و تفسیر عمیق یافته‌های آن‌ها به‌کار گرفته شد تا تصویری جامع از پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ارائه شود.

باوجود آنکه جابه‌جایی منابع انسانی در هر دو بخش دولتی و خصوصی رخ می‌دهد، ماهیت و منطق حاکم بر آن در این دو بخش متفاوت است. در بخش خصوصی، تصمیمات مرتبط با جابه‌جایی کارکنان عمدتاً با هدف ارتقای بهره‌وری، توسعه استعدادها، بهبود عملکرد و افزایش مزیت رقابتی اتخاذ می‌شوند و مدیران از انعطاف بیشتری در طراحی و اجرای سیاست‌های منابع انسانی برخوردارند. درمقابل، جابه‌جایی کارکنان در سازمان‌های دولتی تحت‌تأثیر الزامات قانونی، ساختارهای بوروکراتیک، قواعد استخدامی، ملاحظات سیاسی و الزامات پاسخگویی عمومی قرار دارد که دامنه اختیار مدیران را محدود می‌سازد (Holcman, 2007; Knies et al., 2022). ازاین‌رو، پیامدهای جابه‌جایی منابع انسانی در بخش دولتی صرفاً به سطح سازمان محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند بر کیفیت خدمات عمومی، کارآمدی نظام اداری و اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی نیز اثرگذار باشد. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی نیازمند بررسی مستقل و متناسب با اقتضات نهادی این بخش هستند (Knies et al., 2022).

در سازمان‌های دولتی ایران، ساختارهای بوروکراتیک، سلسله‌مراتبی و پیچیده همراه با ضعف شفافیت و فقدان شایسته‌سالاری، فرایندهای جابه‌جایی را کند و غیرشفاف می‌سازد و انگیزه کارکنان برای توسعه مسیر شغلی را کاهش می‌دهد (Naghian et al., 2024؛ مصطفی، ۱۴۰۴). افزون‌براین، سبک‌های رهبری متمرکز و آمرانه، فقدان حمایت مدیریتی و ارزیابی‌های عملکرد ناکارآمد، اعتماد کارکنان را کاهش داده و فرصت‌های رشد حرفه‌ای را محدود می‌کنند (Lotfian et al., 2025; Zeraatkar et al., 2021).

از منظر روان‌شناسی سازمانی، جابه‌جایی منابع انسانی صرفاً یک تصمیم‌گیری یا ساختاری تلقی نمی‌شود، بلکه تجربه‌ای روان‌شناختی برای کارکنان است که می‌تواند سلامت روان، احساس امنیت، هویت شغلی و بهزیستی آنان را تحت‌تأثیر قرار دهد (Ashforth, 2000). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد جابه‌جایی‌های غیرشفاف و تحمیلی با افزایش استرس شغلی، فشار روانی، فرسودگی شغلی و کاهش رضایت شغلی همراه هستند، درحالی‌که جابه‌جایی‌های مبتنی‌بر شایستگی و همراه با حمایت مدیریتی می‌توانند باعث ارتقای بهزیستی روان‌شناختی، تعادل کار-زندگی و احساس امنیت روانی کارکنان شوند (Maslach et al., 2016).

عوامل فردی و انگیزشی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در جابه‌جایی منابع انسانی دارند. کاهش رضایت و انگیزش شغلی، فشار کاری، فرسودگی و ناهماهنگی فرد-شغل از مهم‌ترین محرک‌های جابه‌جایی واکنشی هستند، درحالی‌که فرصت‌های یادگیری، توسعه مهارت‌ها و تناسب شغلی، انگیزه و تعلق سازمانی کارکنان را تقویت می‌کنند (Ghanbary Vanani et al., 2022). علاوه‌براین،

روش کار

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با رویکرد مرور دامن‌های و با تمرکز بر مطالعات کیفی انجام شد و هدف آن شناسایی و تلفیق نظام‌مند پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی بود. به‌منظور گزارش‌دهی شفاف مراحل پژوهش، از دستورالعمل PRISMA 2020 (Moher et al., 2010) استفاده شد. فرایند تحلیل داده‌ها بر پایه روش توماس و هاردن (Thomas et al., 2008) و با بهره‌گیری از تحلیل مضمون صورت گرفت. این رویکرد تحلیلی شامل کدگذاری دقیق داده‌ها، شکل‌دهی مضامین توصیفی و در نهایت استخراج مضامین تحلیلی است و امکان ارائه برداشتی عمیق و چندلایه از یافته‌های مطالعات کیفی مرتبط با جابه‌جایی منابع انسانی را فراهم می‌سازد.

طرح پژوهش

این مطالعه یک پژوهش کیفی ثانویه از نوع فراترکیب است که با هدف تلفیق و تفسیر یافته‌های پژوهش‌های کیفی پیشین در حوزه جابه‌جایی، انتقال و تحرک شغلی کارکنان در سازمان‌های دولتی انجام شد. استفاده از این رویکرد امکان شناسایی الگوهای مشترک، زمینه‌های اثرگذار و پیامدهای فردی و سازمانی جابه‌جایی منابع انسانی را فراهم می‌کند. این پژوهش از یک طراحی دومرحله‌ای بهره گرفته است که در آن، مرور دامن‌های و فراترکیب کیفی به‌صورت مکمل به‌کار گرفته شده‌اند. در مرحله نخست، مرور دامن‌های با هدف شناسایی، نقشه‌برداری و دسته‌بندی نظام‌مند تمامی مطالعات کیفی مرتبط با جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی انجام شد. این مرحله شامل تعیین سؤال پژوهش، جست‌وجوی نظام‌مند منابع، اعمال معیارهای ورود و خروج، غربالگری مطالعات و استخراج ویژگی‌های مطالعات منتخب بود. در مرحله دوم، مطالعات کیفی شناسایی شده در مرور دامن‌های وارد فراترکیب کیفی شدند تا از طریق تحلیل و تلفیق یافته‌های آنها، مضامین مشترک، الگوهای مفهومی و چهارچوبی یکپارچه از پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی استخراج شود. بنابراین، مرور دامن‌های نقش شناسایی و سازمان‌دهی شواهد را بر عهده داشت، درحالی‌که فراترکیب کیفی برای تفسیر، ادغام و تولید دانش مفهومی جدید مورد استفاده قرار گرفت.

راهبرد جست‌وجو

فرایند جست‌وجوی مطالعات در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴ (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵) انجام شد. برای دستیابی به منابع معتبر، پایگاه‌های بین‌المللی Web of Science، Scopus و PubMed و همچنین پایگاه‌های فارسی SID، Magiran و IranDoc مورد بررسی قرار گرفتند. طراحی راهبرد جست‌وجو با همکاری کتابدار متخصص صورت گرفت تا پوشش مناسبی از

مطالعات مرتبط حاصل شود. جست‌وجو براساس ترکیب کلیدواژه‌ها و عملگرهای بولی مرتبط با جابه‌جایی منابع انسانی، کارکنان بخش دولتی و روش‌های پژوهش کیفی انجام شد و انواع مطالعات کیفی ازجمله مصاحبه، گروه کانونی، مطالعه موردی، تحلیل مضمون و نظریه‌بنیاد را در بر گرفت. جست‌وجو در پایگاه‌های منتخب به دو زبان فارسی و انگلیسی انجام شد. در بخش انگلیسی، کلیدواژه‌های مرتبط با جامعه مورد مطالعه (سازمان‌های دولتی)، پدیده مورد بررسی (جابه‌جایی و تحرک منابع انسانی) و نوع مطالعه (پژوهش‌های کیفی) با استفاده از عملگر بولی AND با یکدیگر ترکیب شدند و مترادف‌های هر مفهوم با عملگر OR به هم متصل گردیدند. در بخش فارسی نیز معادل‌های کلیدواژه‌هایی نظیر «جابه‌جایی منابع انسانی»، «انتقال کارکنان»، «چرخش شغلی»، «تحرک شغلی»، «سازمان‌های دولتی»، «بخش عمومی» و «مطالعه کیفی» مورد استفاده قرار گرفت. محدودیت جست‌وجو شامل بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵، مطالعات منتشرشده به زبان فارسی و انگلیسی و پژوهش‌های کیفی یا دارای یافته‌های کیفی بود. همچنین مطالعات کمی، مقالات مروری، یادداشت‌های علمی، گزارش‌های غیرپژوهشی و مطالعات فاقد ارتباط مستقیم با جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی از فرایند بررسی کنار گذاشته شدند.

ترکیب کلیدواژه‌ها و عملگرهای بولین استفاده‌شده به‌شرح زیر بود:

“public sector” OR “government organization*” OR “public administration” OR “civil service” OR “government employee*” AND (“human resource mobility” OR “staff transfer*” OR “job rotation” OR “employee relocation” OR “internal mobility”) AND (“qualitative” OR “interview*” OR “focus group*” OR “case stud*” OR “thematic analysis” OR “content analysis” OR “grounded theory”)

معیارهای ورود و خروج

مطالعاتی وارد پژوهش شدند که: (۱) به موضوع جابه‌جایی، انتقال، تحرک یا چرخش شغلی کارکنان در سازمان‌های دولتی یا بخش عمومی پرداخته بودند؛ (۲) از روش‌های کیفی نظیر تحلیل مضمون، تحلیل محتوا، نظریه داده‌بنیاد، پدیدارشناسی، قوم‌نگاری یا مطالعه موردی استفاده کرده بودند؛ و (۳) به زبان فارسی یا انگلیسی و در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ منتشر شده بودند. همچنین مطالعات ترکیبی تنها در صورتی وارد فرایند فراترکیب شدند که یافته‌های کیفی آن‌ها به‌صورت مستقل و قابل‌استخراج گزارش شده باشد.

درمقابل، مطالعات کمی، مقالات مروری، یادداشت‌های علمی، سرمقاله‌ها، پایان‌نامه‌های فاقد دسترسی به متن کامل و مطالعاتی که ارتباط مستقیمی با جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های

(Thomas et al., 2008). در گام نخست، مطالعات به‌طور مکرر خوانده شدند تا درک جامعی از محتوای آن‌ها حاصل شود. سپس کدگذاری اولیه صورت گرفت و مضامین توصیفی استخراج شد. درنهایت، با مقایسه و تلفیق مضامین، تم‌های تحلیلی نهایی مرتبط با پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی شکل گرفت. مدیریت و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام شد و نتایج نهایی حاصل اجماع تیم پژوهش بود.

سپس، با تمرکز بر الگوهای تکرارشونده و روابط معنادار میان مقوله‌های استخراج‌شده، ساختار مفهومی مدل طراحی شد. در این مرحله، جابه‌جایی منابع انسانی به‌عنوان یک «فرایند» در نظر گرفته شد که نقش واسط میان پیشایندها و پسایندها را ایفا می‌کند و ماهیت آن می‌تواند جهت پیامدها را تعدیل نماید. پیامدهای جابه‌جایی با توجه به ماهیت دوجوهری آن‌ها در سطوح مختلف سامان‌دهی شد و با بررسی بازتاب آن‌ها بر شرایط زمینه‌ای، روابط بازخوردی میان مؤلفه‌ها شناسایی و در قالب یک مدل مفهومی پویا و انباشتی ترسیم گردید. انسجام مدل از طریق تطبیق مستمر اجزای آن با شواهد مطالعات منتخب حفظ شد.

نتایج

مطالعات انتخاب‌شده

در مرحله آغازین جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی، در مجموع، ۲۳۹۵ رکورد شناسایی شد. پس از حذف ۲۶۳ رکورد تکراری، ۲۱۳۲ مطالعه برای غربالگری عنوان و چکیده باقی ماند. در این مرحله، ۱۸۴۲ مطالعه به‌دلیل عدم ارتباط با موضوع پژوهش کنار گذاشته شد و ۲۹۰ مقاله برای بررسی متن کامل انتخاب گردید. پس از ارزیابی متن کامل مقالات، ۲۶۶ مطالعه به دلایلی نظیر عدم انطباق با معیارهای ورود، کمی‌بودن پژوهش، فقدان یافته‌های کیفی قابل‌استخراج یا ارتباط غیرمستقیم با جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی حذف شدند. درنهایت، ۲۴ مطالعه واجد شرایط وارد مرحله مرور دامنه‌ای و فراترکیب کیفی شدند (شکل ۱).

ویژگی‌های مطالعات انتخاب‌شده

مطالعات انتخاب‌شده شامل ۲۴ مطالعه کیفی است که تمرکز اصلی آن‌ها بر پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی بوده است. جمعیت مورد مطالعه شامل کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی، پرستاران، کارکنان بانک‌ها، زنان شاغل و خبرگان حوزه منابع انسانی بوده است. تمامی مطالعات از روش‌های کیفی استفاده کرده‌اند و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مصاحبه‌های عمیق، مصاحبه‌های پدیدارشناختی و بررسی اسناد سازمانی جمع‌آوری شده است. تحلیل داده‌ها عمدتاً با تحلیل تماتیک، تحلیل محتوای کیفی، پدیدارشناختی و در برخی مطالعات با روش متاستز و مدل‌سازی کیفی انجام شده است. موضوعات گزارش‌شده شامل فشار کاری، مسیر شغلی و توسعه

دولتی نداشتند، کنار گذاشته شدند. همچنین مطالعاتی که دارای ضعف روش‌شناختی عمده بودند، ازجمله فقدان شرح روشن روش نمونه‌گیری، ابهام در فرایند گردآوری داده‌ها، نبود توضیح کافی درباره روش تحلیل داده‌های کیفی یا عدم ارائه شواهد کافی برای پشتیبانی از یافته‌ها، از فرایند نهایی سنتز حذف شدند.

انتخاب مطالعات

غربالگری منابع توسط دو پژوهشگر به‌صورت مستقل و در دو مرحله انجام شد. ابتدا عناوین و چکیده‌ها بررسی و مطالعات نامرتبط حذف شدند. سپس متن کامل مقالات منتخب مورد ارزیابی نهایی قرار گرفت. مدیریت منابع و حذف موارد تکراری با استفاده از نرم‌افزار EndNote© V.20 انجام شد. تمامی مراحل انتخاب مطالعات مطابق با چهارچوب PRISMA مستندسازی شد.

ارزیابی کیفیت مطالعات

غربالگری مطالعات و استخراج داده‌ها توسط دو پژوهشگر به‌صورت مستقل انجام شد. در مواردی که بین دو ارزیاب درباره ورود یا خروج یک مطالعه، کدگذاری داده‌ها یا طبقه‌بندی یافته‌ها اختلاف‌نظر وجود داشت، ابتدا موضوع از طریق بحث و بررسی مشترک مورد بازبینی قرار گرفت. در صورت تداوم اختلاف، تصمیم نهایی با نظر پژوهشگر سوم که در فرایند ارزیابی مشارکت داشت، اتخاذ شد. هیچ مطالعه‌ای به‌دلیل کیفیت پایین حذف نشد، اما نتایج ارزیابی کیفیت در تفسیر نهایی یافته‌ها مدنظر قرار گرفت. برای ارزیابی کیفیت مطالعات کیفی واردشده، از چک‌لیست Critical Appraisal Skills Programme (CASP) استفاده شد. این ابزار شامل ۱۰ سؤال استاندارد در حوزه اعتبار روش‌شناختی، شفافیت فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها، و اعتبار یافته‌ها است. هر مطالعه براساس این چک‌لیست به‌صورت «قوی»، «متوسط» یا «ضعیف» طبقه‌بندی شد. باین‌حال، هیچ مطالعه‌ای صرفاً براساس نمره کیفیت از فرایند سنتز حذف نشد و نتایج ارزیابی کیفیت صرفاً برای تفسیر و وزن‌دهی به یافته‌ها در مرحله تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

استخراج داده‌ها

پس از نهایی‌شدن مطالعات، داده‌های مرتبط از متن کامل مقالات استخراج و به‌صورت نظام‌مند سازمان‌دهی شد. اطلاعات استخراج‌شده شامل ویژگی‌های مطالعه، بستر سازمانی، نوع جابه‌جایی منابع انسانی، روش گردآوری داده‌ها، ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و یافته‌های کلیدی مرتبط با پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی بود. این فرایند توسط تیم پژوهش انجام و صحت آن به‌صورت متقابل بررسی شد.

سنتز کیفی داده‌ها

فرایند سنتز داده‌ها مطابق با روش توماس و هاردن انجام شد

کار-زندگی کارکنان بوده است. جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از ویژگی‌های کلیدی این مطالعات را ارائه می‌دهد.

حرفه‌ای، انگیزش و رضایت شغلی، نگهداشت و جابه‌جایی نیروی انسانی، تغییر نقش‌ها، فرهنگ مسئولیت‌پذیری و حکمرانی منابع انسانی، چالش‌های دیجیتال و فناوری اطلاعات در سازمان، و تعادل



شکل ۱. نمودار جریان انتخاب و غربالگری مطالعات براساس دستورالعمل PRISMA

جدول ۱. ویژگی‌های مطالعات انتخاب‌شده

#	نویسنده / سال	هدف مطالعه	طرح مطالعه	جمعیت / نمونه	جمع‌آوری داده‌ها	روش تحلیل داده‌ها	پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی	پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی
1	Abbasi et al., 2023	شناسایی عوامل سازمانی، مدیریتی و فناوریانه مؤثر بر استقرار و استفاده از سیستم EHR	کیفی با رویکرد تحلیل مضمون	کاربران نهایی شامل پزشکان، پرستاران و کارکنان اداری	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته حضوری، ضبط صوت، پیاده‌سازی متن، یادداشت میدانی	تحلیل تماتیک مبتنی بر کدگذاری باز و محوری	ساختار اداری، فشار کاری، تغییر نقش‌ها، مقاومت در برابر فناوری	تغییر نقش‌ها، پیامدهای سازمانی جابه‌جایی و یادگیری مهارت‌های جدید
2	Aghaz et al., 2017	بررسی چالش‌ها و وضعیت مدیریت منابع انسانی در وزارتخانه‌های دولتی ایران	کیفی اکتشافی	مدیران ارشد، میانی و کارشناسان انسانی وزارتخانه‌ها	مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، بررسی اسناد سازمانی	تحلیل محتوای کیفی	ساختار و سلسله‌مراتب اداری، مقررات، ضعف شایسته‌سالاری	جابه‌جایی نیروی انسانی، تأثیر بر بهره‌وری و رضایت شغلی
3	Argiv et al., 2025	طراحی و تبیین مدل اشتغال‌پذیری با تأکید بر مدیریت شهری	کیفی مدل‌سازی	مدیران شهری و کارکنان سازمان‌های عمومی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، ضبط و پیاده‌سازی داده‌ها	تحلیل تماتیک	مسیر شغلی، توسعه حرفه‌ای، نیاز به بهبود مهارت‌ها	جابه‌جایی به‌عنوان راهبرد رشد حرفه‌ای
4	Boudlaie et al., 2019	تبیین ابعاد کارت امتیازی منابع انسانی در بخش دولتی	موردی کیفی	مدیران و ذی‌نفعان سازمان منطقه آزاد کیش	مصاحبه‌های عمیق، بررسی اسناد و گزارش‌های سازمانی	تحلیل محتوای کیفی	ارزیابی عملکرد، عدم تناسب شغل-مهارت	جابه‌جایی نیروی انسانی، بهبود تخصیص منابع
5	Damari et al., 2019	تحلیل وضعیت مدیریت منابع انسانی در نظام سلامت ایران و مسیر توسعه	کیفی	مدیران، سیاست‌گذاران و خبرگان حوزه سلامت	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق، ضبط صوت و پیاده‌سازی متن	تحلیل تماتیک	سیاست‌ها، نگهداشت نیرو، فشار کاری	جابه‌جایی و پیامدهای نهادی، بهبود یا کاهش بهره‌وری سازمانی

6	Farokhzadian et al., 2020	بررسی تجربه پرستاران از پیامدهای فناوری اطلاعات سلامت	کیفی	پرستاران بیمارستان‌های دولتی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، ضبط و پیاده‌سازی داده‌ها	تحلیل تماتیک	تغییر مهارت‌ها، نیاز به یادگیری جدید	جابه‌جایی توسعه حرفه‌ای نقش‌ها،
7	Ghanbari et al., 2024	توسعه مدل مدیریت منابع انسانی الکترونیک برای بهبود عملکرد و عدالت مالیاتی	کیفی مدل‌سازی	مدیران و کارشناسان سازمان‌های دولتی	مصاحبه‌ها و بررسی اسناد	تحلیل تماتیک	ناکارآمدی فرایندهای سنتی، نیاز به شفافیت و اتوماسیون	جابه‌جایی و بازتعریف وظایف، بهبود کارآیی و عدالت
8	Ghanbary Vanani et al., 2022	شناسایی راهبردهای ارتقای رفاه کارکنان در سازمان‌های دولتی	کیفی	کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته حضوری و آنلاین	تحلیل تماتیک	فشار کاری، نیاز به انگیزش و رفاه	بهبود ماندگاری، کاهش جابه‌جایی ناخواسته
9	Golrokh et al., 2025	توسعه مدل کیفی فرهنگ مسئولیت‌پذیری با رویکرد مدیریت بدون سرزنش	کیفی	کارکنان سازمان‌های دولتی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته	تحلیل تماتیک	فقدان فرهنگ مسئولیت‌پذیری	جابه‌جایی نیروی انسانی، بهبود همکاری و رضایت شغلی
10	Heydarikhayat et al., 2025	تجربه زیسته زنان شاغل در حفظ تعادل کار-زندگی	پدیدارشناختی توصیفی	زنان شاغل بخش دولتی	مصاحبه‌های عمیق پدیدارشناختی حضوری، ضبط صوت	تحلیل پدیدارشناختی	فشار کاری، نقش‌های خانوادگی و اجتماعی	جابه‌جایی شغلی، مدیریت تعارض کار-زندگی
11	Lotfiyan et al., 2025	بررسی راهبردها و چالش‌های منابع انسانی در دوران کووید-۱۹	کیفی	مدیران و کارکنان نظام سلامت	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق	تحلیل تماتیک	فشار کاری، کمبود منابع	جابه‌جایی نیروی انسانی، فرسودگی، کاهش بهره‌وری
12	Naghian et al., 2024	طراحی مدل ارزیابی موفقیت شغلی کارکنان با رویکرد متاسنتر	متاسنتر کیفی	مطالعات کیفی منتشرشده	جمع‌بندی داده‌های کیفی چند مطالعه	تحلیل فراترکیب و مدل‌سازی	فقدان معیارهای ارزیابی واضح	جابه‌جایی برنامه‌ریزی مسیر حرفه‌ای
13	Nikooei et al., 2024	توسعه مدل بهره‌وری منابع انسانی بانک ملی ایران	کیفی مدل‌سازی	کارکنان بانک ملی ایران	مصاحبه‌های عمیق، بررسی اسناد	تحلیل تماتیک	ساختار سازمانی، نیاز به توسعه	جابه‌جایی شغلی، افزایش بهره‌وری

14	Pourkhodabakhshi et al., 2025	تحلیل تماتیک ابعاد کلیدی فرهنگ نظارت‌محور در سازمان‌های دولتی	کیفی تحلیل تماتیک	کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته	تحلیل تماتیک	ضعف فرهنگ نظارت و بازخورد نظارت، مسئولیت‌پذیری	جابه‌جایی برای بهبود ارتقای
15	Shabani et al., 2024	ارائه مدل رهبری تحول‌آفرین با تأکید بر کیفیت زندگی کاری و تعهد حرفه‌ای کارکنان	کیفی	کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته	تحلیل تماتیک	فقدان رهبری تحول‌آفرین	جابه‌جایی نیروی انسانی، ارتقای تعهد و انگیزش شغلی
16	Zamanzadeh et al., 2020	بررسی چالش‌های مدیریت منابع انسانی در پرستاری ایران	کیفی تحلیل محتوایی	پرستاران بیمارستان‌های دولتی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، ضبط صوت	تحلیل محتوای کیفی	فشار کاری، کمبود نیروی انسانی	جابه‌جایی، فرسودگی شغلی، کاهش بهره‌وری
17	Zare et al., 2023	معرفی مدل حکمرانی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی	موردی کیفی	مدیران و کارکنان سازمان تأمین اجتماعی	مصاحبه‌های عمیق، بررسی اسناد	تحلیل محتوای کیفی	ضعف ساختار حکمرانی، عدم شفافیت	جابه‌جایی نیروی انسانی، بهبود فرایندها و مسئولیت‌ها
18	Zeinolabedini et al., 2022	مطالعات فشار شغلی کارکنان نظام سلامت ایران	کیفی	کارکنان نظام سلامت	مصاحبه‌های عمیق، ضبط و پیاده‌سازی داده‌ها	تحلیل تماتیک	حجم بالای کار، استرس محیط کار	جابه‌جایی شغلی، کاهش بهره‌وری، افزایش غیبت
19	Zeraatkar et al., 2021	بررسی چالش‌های مدیریت منابع انسانی و اثر آن بر بهره‌وری	کیفی	کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته	تحلیل تماتیک	ضعف مدیریت منابع انسانی، فشار کاری	جابه‌جایی، کاهش بهره‌وری، پیامدهای سازمانی
20	Arjmandinejad et al., 2016	شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار بر بهره‌وری منابع انسانی در بستر اسلامی	اکتشافی کیفی	کارکنان شهرداری مشهد	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته	تحلیل تماتیک	فقدان معیارهای بهره‌وری، ضعف فرهنگ سازمانی	جابه‌جایی، کاهش بهره‌وری، نیاز به آموزش و توسعه
21	Ashraf et al., 2025	شناسایی ابعاد حکمرانی هوشمند منابع انسانی در بخش دولتی	موردی کیفی	کارکنان شرکت ملی نفت ایران	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته	تحلیل تماتیک	نبود سیستم حکمرانی هوشمند	جابه‌جایی، بهبود تصمیم‌گیری، افزایش شفافیت
22	Afagh et al., 2017	بررسی مؤلفه‌های اثرگذار بر بهره‌وری	اکتشافی کیفی	کارکنان شهرداری مشهد	مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته	تحلیل تماتیک	ضعف فرایندها و انگیزش شغلی	جابه‌جایی شغلی، بهبود بهره‌وری

23	Chogan et al., 1404	ارائه مدل حرفه‌ای‌گرایی مدیریت منابع انسانی با تأکید بر جایگاه حرفه‌ای	کیفی مدل‌سازی	کارکنان سازمان امور مالیاتی	مصاحبه‌های عمیق، بررسی اسناد	تحلیل تماتیک	ضعف جایگاه حرفه‌ای منابع انسانی	جابه‌جایی، شایستگی‌ها، تعهد شغلی	ارتقای افزایش
24	Rahdarpoor, 2025	شناسایی راهبردها، موانع و بسترهای مدیریت منابع انسانی در عصر دیجیتال	کیفی	مدیران و کارکنان سازمان‌های دولتی	مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته	تحلیل تماتیک	تحول دیجیتال، مقاومت سازمانی	جابه‌جایی انسانی، ارتقای دیجیتال	نیروی بازآموزی، توانمندی

I. پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های

دولتی

نتایج فراترکیب مطالعات منتخب نشان داد پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ماهیتی چندبعدی و چندسطحی دارند و از تعامل عوامل ساختاری، مدیریتی، فردی، فرهنگی و محیطی تأثیر می‌پذیرند. در مجموع، تحلیل داده‌ها به استخراج ۸ تم اصلی، ۲۳ زیرتم و تعداد قابل توجهی کد مفهومی

منجر شد. تم‌های اصلی شامل «ساختار و نظام اداری»، «رهبری و مدیریت منابع انسانی»، «منابع انسانی و توسعه شغلی»، «عوامل فردی و انگیزشی»، «تناسب فرد-شغل و دانش سازمانی»، «فرهنگ و روابط سازمانی»، «سیاست‌ها و محیط نهادی» و «عوامل محیطی و زمینه‌ای» بودند (جدول شماره ۲).

جدول ۲. تم‌ها، زیرتم‌ها و کدهای مطالعات منتخب مربوط به پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی

تم	زیرتم	نمونه کدها
ساختار و نظام اداری	۱. ساختار و سلسله‌مراتب	تمرکز شدید و انحصاری اختیارات در سطوح عالی سازمان وجود سلسله‌مراتب پیچیده، چندلایه و زمان‌بر انعطاف‌ناپذیری پست‌های سازمانی و محدودیت شدید جابه‌جایی افقی بین واحدها ابهام و چندگانگی در ضوابط انتقال و مأموریت تفسیر سلیقه‌ای و غیرواحد قوانین اداری تعارض مقررات بالادستی با آیین‌نامه‌های اجرایی فقدان شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و اطلاع‌رسانی روشن در فرایندهای رسمی جابه‌جایی انسداد ارتقای عمودی
	۲. مقررات و آیین‌نامه‌ها	نبود مسیر شغلی شفاف و قابل‌پیش‌بینی وابستگی رشد شغلی به جابه‌جایی به جای توسعه درون‌پست توقف و رکود پیشرفت در پست فعلی غلبه سبک مدیریت آمرانه و دستوری
	۳. مسیر شغلی و فرصت‌های ارتقا	تصمیم‌گیری فردمحور مدیران بدون اتکا به سازوکارهای مشارکتی عدم مشارکت کارکنان در تصمیمات مرتبط با جابه‌جایی ضعف حمایت مدیریتی در پاسخ به نیازها و دغدغه‌های کارکنان ادراک گسترده تبعیض و نابرابری در جابه‌جایی‌ها
	۴. سبک رهبری	اولویت روابط غیررسمی بر شایستگی انتصاب‌ها و جابه‌جایی‌های غیرتخصصی و نامتناسب با توانمندی‌های فردی تضعیف اعتماد کارکنان به مدیران
	۵. عدالت و شایسته‌سالاری	ارزیابی‌های صوری، غیرواقعی و فاقد اعتبار حرفه‌ای نبود پیوند عملکرد واقعی کارکنان با تصمیمات جابه‌جایی استفاده از جابه‌جایی به عنوان ابزار تنبیه
	۶. ارزیابی عملکرد	سوگیری‌های شخصی و سازمانی در ارزیابی عملکرد فقدان سیاست‌های منسجم و هدفمند برای نگهداشت نیروی انسانی
	۷. جذب و نگهداشت نیرو	استفاده ابزاری از جابه‌جایی به عنوان ابزار کنترل ناتوانی سازمان در حفظ نیروهای کلیدی و متخصص

محدودیت فرصت‌های یادگیری و رشد مهارتی	۸. آموزش و توسعه مهارت‌ها	عوامل فردی و انگیزشی	
نبود برنامه نظام‌مند جانشین‌پروری			
عدم سرمایه‌گذاری سازمان در توسعه شغلی			
جابه‌جایی به‌عنوان راهبرد فردی برای یادگیری و ارتقای مهارت			
شناسایی‌نشدن استعدادها در نظام منابع انسانی	۹. مدیریت استعداد و تخصیص نیرو		تناسب فرد-شغل و دانش سازمانی
توزیع نامتوازن نیروهای توانمند بین واحدها			
مهاجرت درون‌سازمانی استعدادها در جست‌وجوی فرصت‌های بهتر	۱۰. رضایت و انگیزش شغلی		
نارضایتی شغلی مزمن و پایدار			
کاهش انگیزش و اشتیاق کاری در موقعیت فعلی			
تمایل به تغییر محیط کاری برای بازیابی انگیزه			
تعهد و دلبستگی سازمانی	۱۱. فرسودگی و فشار کاری		
خستگی روانی و عاطفی ناشی از فشارهای کاری مستمر			
فشار کاری بالا و فراتر از ظرفیت فردی			
تعارض نقش‌ها و ابهام در انتظارات شغلی			
کاهش انرژی، نشاط و توان کاری	۱۲. نیازها و ترجیحات فردی		
جست‌وجوی فعالانه رشد و پیشرفت حرفه‌ای			
نیاز به تنوع شغلی و تجربه نقش‌های جدید			
تمایل به استقلال بیشتر در انجام وظایف			
ترجیح محیط کاری سازگارتر با شرایط فردی و خانوادگی	۱۳. تناسب شغلی و توانمندی‌ها		
عدم استفاده بهینه از تخصص، دانش و مهارت فرد			
بیش‌صلاحیتی یا کم‌صلاحیتی نسبت به پست سازمانی			
ناهماهنگی وظایف محوله با توانمندی‌های واقعی			
نادیده‌گرفتن تجربه انباشته و دانش عملی کارکنان	۱۴. تجربه و انتقال دانش		
جابه‌جایی بدون سازوکار انتقال دانش			
اتلاف دانش ضمنی و حافظه سازمانی			
رکود مهارتی و ایستایی حرفه‌ای			
نبود فرصت واقعی پیشرفت	۱۵. توسعه حرفه‌ای و مسیر شغلی		
جابه‌جایی به‌عنوان راه احیای مسیر حرفه‌ای			
غلبه فرهنگ سیاسی بر منطق حرفه‌ای			
فرهنگ محافظه‌کار و ریسک‌گریز			
یادگیری سازمانی و اشتراک دانش	۱۶. فرهنگ و یادگیری سازمانی		
ضعف ارتباط اثربخش بین مدیر و کارمند			
نبود بازخورد سازنده و توسعه‌محور			
بی‌اعتمادی متقابل			
تعارضات آشکار و پنهان درون‌سازمانی	۱۷. روابط کاری و ارتباطات		
احساس ناامنی شغلی و بی‌ثباتی موقعیت			
کاهش تعلق سازمانی و دلبستگی حرفه‌ای			
	۱۸. جو و امنیت روانی سازمانی		

شکل‌گیری فضای کاری بی‌ثبات و نامطمئن		
تغییر دولت‌ها و مدیران ارشد و تأثیر آن بر جابه‌جایی‌ها	۱۹. تغییرات سیاسی و مدیریتی	سیاست‌ها و محیط نهادی
جابه‌جایی‌های سیاسی محور و غیرحرفه‌ای		
بی‌ثباتی مدیریتی		
فشار نهادهای بالادستی و الزامات نظارتی	۲۰. مداخلات و الزامات نهادی	
تغییر مأموریت‌ها و اولویت‌های سازمانی		
تفاوت محسوس مزایا و پرداخت‌ها بین دستگاه‌ها	۲۱. اقتصاد و معیشت کارکنان	
فشارهای معیشتی کارکنان		
فاصله زیاد محل خدمت تا محل سکونت	۲۲. عوامل جغرافیایی و جابه‌جایی مکانی	عوامل محیطی و زمینه‌ای
جابه‌جایی‌های ناخواسته مکانی و پیامدهای خانوادگی		
دیجیتالی‌شدن فرایندها و تغییر ماهیت مشاغل	۲۳. فناوری و تغییر مهارت‌ها	
تغییر نیازهای مهارتی ناشی از فناوری		
ناتوانی در انطباق با فناوری‌های جدید		

۱- ساختار و نظام اداری

روشن‌تری از حرفه‌ای‌گرایی و معیارهای ارزیابی شایسته‌سالاری ارائه داده‌اند که نشان می‌دهد فقدان معیارهای شفاف در انتصاب و جابه‌جایی می‌تواند اعتماد کارکنان را تضعیف کند (Zeraatkar et al., 2021؛ چوگان و همکاران، ۱۴۰۴).

همچنین، یافته‌های کیفی در مورد بهزیستی کارکنان در بخش دولتی نشان داده‌اند تعاملات، ساختارها و نظام‌های جبران خدمت نقش کلیدی در ادراک عدالت و رضایت کارکنان دارد، که به‌طور مستقیم بر فرایندهای جابه‌جایی اثر می‌گذارد (Ghanbary Vanani et al., 2022).

یکی از چالش‌های اصلی مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران، ساختارهای بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی پیچیده است که جابه‌جایی کارکنان را کند و وابسته به اراده مدیران می‌کند و نقش کارکنان در مسیر شغلی خود را کاهش می‌دهد (مصطفی، ۱۴۰۴). علاوه بر این، ابهام در قوانین و نبود شفافیت مقررات اداری، همراه با تفسیر سلیقه‌ای و فقدان شایسته‌سالاری، مانع ایجاد فرایندهای روشن و عادلانه جابه‌جایی می‌شود و انگیزه کارکنان را کاهش می‌دهد (Zeraatkar et al., 2021).

ضعف در نظام مسیر شغلی و فرصت‌های ارتقای کارکنان نیز موجب شده است کارکنان فقط از طریق جابه‌جایی بین پست‌ها یا واحدها بتوانند پیشرفت کنند، اما این جابه‌جایی‌ها معمولاً بدون برنامه‌ریزی و مبتنی بر شایستگی انجام می‌شوند، که توسعه حرفه‌ای و بهره‌وری سازمان را محدود می‌کند (Naghian et al., 2024; Zeraatkar et al., 2021).

۳- منابع انسانی و توسعه شغلی

در سازمان‌های دولتی ایران، جذب و نگهداشت نیروی انسانی یکی از چالش‌های اصلی مدیریت منابع انسانی است، به گونه‌ای که فقدان سیاست‌های منسجم و استفاده ابزاری از جابه‌جایی موجب ناتوانی سازمان در حفظ نیروهای کلیدی و متخصص می‌شود (Damari et al., 2019). علاوه بر این، فرصت‌های یادگیری و توسعه مهارت‌ها محدود است و برنامه‌های نظام‌مند جانشین‌پروری و سرمایه‌گذاری در توسعه شغلی کافی نیست؛ در نتیجه، کارکنان برای ارتقای مهارت و پیشرفت حرفه‌ای اغلب به جابه‌جایی فردی بین واحدها متوسل می‌شوند (عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۳). همچنین، در زمینه مدیریت استعداد و تخصیص نیرو، استعدادها به درستی شناسایی نشده و توزیع نیروی توانمند نامتوازن است، که منجر به مهاجرت درون سازمانی به دنبال فرصت‌های بهتر می‌شود (اشرف و همکاران، ۲۰۲۵). این یافته‌ها نشان می‌دهد برای کاهش جابه‌جایی‌های واکنشی و افزایش بهره‌وری، لازم است سازمان‌ها به

۲- رهبری و مدیریت منابع انسانی

پژوهش‌های کیفی در ایران نشان داده‌اند سبک رهبری آمرانه و تمرکز تصمیم‌گیری در سطوح بالای مدیریت منابع انسانی، فرایندهای جابه‌جایی را مختل و منجر به ضعف حمایت از کارکنان می‌شود؛ مطالعه کیفی در حوزه سلامت کشور نیز نشان می‌دهد که کمبود نیروی انسانی، انگیزش پایین و ضعف حمایت مدیریتی از چالش‌های اصلی مدیریت منابع انسانی هستند که با سبک مدیریت و نظام‌های رسمی ارتباط دارد (Lotfiyan et al., 2025). علاوه بر این، تحقیقات کیفی در سازمان‌های دولتی ایران مدل‌های

توسعه نظام‌مند منابع انسانی، سرمایه‌گذاری در مسیر شغلی کارکنان و شناسایی مؤثر استعدادها توجه ویژه داشته باشند.

۴- عوامل فردی و انگیزشی

یکی از عوامل کلیدی در جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران، رضایت و انگیزش شغلی کارکنان است. پژوهش‌های کیفی نشان می‌دهند که کاهش انگیزش، نارضایتی شغلی و تعهد سازمانی پایین، به‌عنوان نشانه‌هایی از تضعیف سلامت روان شغلی کارکنان، از مهم‌ترین دلایل تمایل آنان به تغییر محیط کاری هستند. برای مثال، مطالعه‌ای در میان کارکنان بهداشت روستایی ایران نشان داد فشار کاری و عوامل محیطی ارتباط مستقیم با کاهش رضایت و افزایش فرسودگی شغلی دارند (Ghanbary Vanani et al., 2022). همچنین، پژوهش کیفی دیگری با کارکنان نظام سلامت ایران نشان می‌دهد ویژگی‌های نقش، بار کاری و نبود امنیت شغلی از عوامل اصلی استرس‌زا هستند که توان کاری و انگیزش کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Zeinolabedini et al., 2022).

علاوه‌براین، فرسودگی و فشار کاری و نیازها و ترجیحات فردی نیز نقش مؤثری در جابه‌جایی دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کارکنانی که با خستگی روانی، تعارض نقش‌ها، ابهام در انتظارات شغلی و فشار روانی مزمن مواجه هستند، اغلب برای بازیابی تعادل روانی و سلامت شغلی به دنبال فرصت‌های شغلی جدید می‌گردند. این یافته‌ها بر ضرورت توجه سازمان‌ها به مدیریت فشار کاری، توسعه مسیر شغلی، و سازگاری محیط کار با نیازهای فردی تأکید دارند تا رضایت و انگیزش کارکنان افزایش یافته و جابه‌جایی واکنشی کاهش یابد.

۵- تناسب فرد-شغل و دانش سازمانی

یکی از عوامل مهم در پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی، عدم تناسب واقعی میان فرد و شغل و بهره‌گیری ناکافی از تخصص، دانش و مهارت کارکنان است. نظریه‌های پذیرفته‌شده در روان‌شناسی سازمانی نشان می‌دهند تناسب فرد-شغل به معنای تطابق قابلیت‌ها، مهارت‌ها و نیازهای شغلی با ویژگی‌های فرد است و رابطه قابل‌توجهی با رضایت شغلی، تعهد سازمانی و نیت جابه‌جایی دارد، به‌گونه‌ای که ناکافی بودن تناسب موجب افزایش نارضایتی و تقویت نیت ترک شغل می‌شود (Argiv et al., 2025). یافته‌های این نوع رویکرد در مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد وقتی کارکنان احساس می‌کنند مهارت‌ها و توانمندی‌هایشان با وظایف محوله هم‌راستا نیست، این ناهماهنگی می‌تواند به کاهش بهره‌وری، بی‌انگیزگی و ناکارآمدی شغلی منجر

شود، که در نهایت جابه‌جایی را تسریع می‌کند.

سازمان‌ها اغلب تجربه و دانش انباشته کارکنان را نادیده می‌گیرند و سازوکاری برای حفظ و انتقال آن ندارند. این اتلاف سرمایه دانشی، زمینه جابه‌جایی نیروها را فراهم می‌کند، به‌ویژه وقتی سازمان نتواند ارتباط میان تجربه فردی و مسیر شغلی را نشان دهد. درنتیجه، عدم تطابق مهارت‌های فرد با شغل یا سازمان، که در نظریه‌های شخص-شغل و شخص-سازمان بر آن تأکید می‌شود، به‌عنوان محرک اصلی جابه‌جایی عمل می‌کند (Argiv et al., 2025).

۶- فرهنگ و روابط سازمانی

یکی از عوامل مهم پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی، فرهنگ و یادگیری سازمانی است. پژوهش‌های کیفی نشان می‌دهند که غلبه فرهنگ سیاسی و محافظه‌کارانه بر منطق حرفه‌ای و فقدان سازوکارهای یادگیری سازمانی و اشتراک دانش، موجب محدودیت در توسعه مهارت‌ها و افزایش نارضایتی کارکنان می‌شود (Damari et al., 2019; Lotfiyan et al., 2025). راه‌دارپور، (۲۰۲۵). در چنین فضایی، کارکنان احساس می‌کنند توانایی‌ها و دانش‌شان به‌درستی به‌کار گرفته نمی‌شود و فرصت یادگیری و پیشرفت حرفه‌ای محدود است، که خود زمینه‌ساز جابه‌جایی واکنشی و کاهش تعلق سازمانی می‌شود. علاوه‌بر فرهنگ سازمانی، روابط کاری و جو روانی سازمان نیز تأثیر قابل‌توجهی بر جابه‌جایی منابع انسانی دارد. ضعف ارتباط اثربخش بین مدیر و کارمند، نبود بازخورد توسعه‌محور و وجود تعارضات آشکار و پنهان، باعث کاهش اعتماد متقابل و ناامنی روانی کارکنان می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند احساس بی‌ثباتی موقعیت شغلی و کاهش تعلق سازمانی از عوامل کلیدی در تصمیمات کارکنان برای جابه‌جایی است (Ghanbary Vanani et al., 2022). این یافته‌ها بر ضرورت ایجاد فرهنگ سازمانی حرفه‌ای، توسعه یادگیری و بهبود ارتباطات اثربخش تأکید دارند تا جابه‌جایی‌های غیرضروری کاهش یابد و تعهد و انگیزش کارکنان تقویت شود.

۷- سیاست‌ها و محیط نهادی

بررسی مطالعات منتخب نشان داد تغییرات سیاسی و مدیریتی به‌عنوان یکی از عوامل مرتبط با جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی مطرح شده‌اند. در تعدادی از مطالعات، مشارکت‌کنندگان تجربه کرده بودند که تغییر دولت‌ها یا مدیران ارشد با افزایش جابه‌جایی‌های سیاسی‌محور و تغییر در رویه‌های مدیریت منابع انسانی همراه بوده است. این بی‌ثباتی مدیریتی می‌تواند باعث اختلال در مسیر شغلی کارکنان شود و همچنین

کیفی مستقیمی دربارهٔ تجربه کارکنان از جابه‌جایی جغرافیایی منتشر نشده است، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد تغییرات فناوری در مدیریت منابع انسانی، به‌ویژه دیجیتالی‌شدن فرایندها، نیاز به توسعهٔ مهارت‌های جدید و توانایی تطبیق را افزایش داده و بخشی از تجربهٔ کارکنان را شکل می‌دهد؛ مطالعه‌ای کیفی در سازمان امور مالیاتی کشور با استفاده از گراند تئوری به این نتیجه رسید که فناوری اطلاعات و سیستم‌های مدیریت منابع انسانی الکترونیک نقش مهمی در اثربخشی فرایندهای منابع انسانی دارند و مهارت‌ها و انطباق کارکنان با این فناوری‌ها از مؤلفه‌های کلیدی است (Ghanbari et al., 2024; مدرسی و همکاران، ۲۰۲۴).

این یافته‌ها نشان می‌دهند توجه به مهارت‌های دیجیتال و توانایی انطباق با فناوری‌های نوین، همراه با سیاست‌های حمایتی در مدیریت جابه‌جایی مکانی و معیشتی، می‌تواند به حفظ انگیزه و رضایت شغلی کارکنان کمک کند و جابه‌جایی‌های واکنشی و غیرضروری را کاهش دهد.

II. پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های

دولتی

در مجموع، ۹ تم اصلی، ۱۸ زیرتم و مجموعه‌ای از کدهای مفهومی مرتبط با پیامدهای فردی، سازمانی و راهبردی جابه‌جایی شناسایی شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که جابه‌جایی منابع انسانی می‌تواند به‌طور هم‌زمان فرصت‌هایی برای توسعهٔ حرفه‌ای، یادگیری، افزایش مهارت‌ها، بهبود انگیزش و ارتقای عملکرد فراهم کند و در عین حال با پیامدهایی نظیر کاهش بهره‌وری، اختلال در انتقال دانش، تضعیف اعتماد، افزایش استرس و بی‌ثباتی سازمانی همراه باشد. همچنین نتایج نشان داد بسیاری از پیامدهای شناسایی‌شده ماهیتی دوجویی دارند و آثار مثبت یا منفی آن‌ها تا حد زیادی به نحوهٔ برنامه‌ریزی، اجرای جابه‌جایی و میزان حمایت سازمانی بستگی دارد. جدول ۳ تم‌ها، زیرتم‌ها و نمونهٔ کدهای استخراج‌شده مربوط به پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی را نشان می‌دهد (جدول شمارهٔ ۳).

انگیزه و تعلق سازمانی آنان را نیز کاهش دهد، به‌طوری که کارکنان به‌دنبال فرصت‌های شغلی مطمئن‌تر و پایدارتر می‌گردند (Aghaz et al., 2017; Zamanzadeh et al., 2020).

علاوه‌بر تغییرات سیاسی، مداخلات و الزامات نهادی نیز نقش مؤثری در جابه‌جایی منابع انسانی دارند. فشار نهادهای بالادستی، الزامات نظارتی و تغییر مأموریت‌ها و اولویت‌های سازمانی می‌تواند موجب تغییر سریع نقش‌ها و پست‌های کارکنان شود و فرایند جابه‌جایی را تحت‌تأثیر قرار دهد. مطالعات کیفی در ایران نشان می‌دهد چنین فشارهایی، به‌ویژه در بخش‌های دولتی حساس و تحت نظارت دقیق، باعث افزایش جابه‌جایی‌های واکنشی، کاهش تعهد سازمانی و احساس ناامنی شغلی می‌شوند (Damari et al., 2019; Lotfiyan et al., 2025; Zare et al., 2023). این یافته‌ها بر اهمیت طراحی سیاست‌های پایدار منابع انسانی و مدیریت تغییر حرفه‌ای برای کاهش جابه‌جایی‌های غیرضروری تأکید دارند.

۸- عوامل محیطی و زمینه‌ای

یکی از عوامل مهم پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی، عوامل اقتصادی و معیشتی کارکنان است. تفاوت محسوس مزایا و پرداخت‌ها بین دستگاه‌ها و فشارهای اقتصادی موجب می‌شود کارکنان به‌دنبال فرصت‌های شغلی با درآمد و مزایای بهتر باشند. پژوهش‌های کیفی و کمی در ایران نشان داده‌اند مشکلات معیشتی و نابرابری‌های پرداختی، یکی از محرک‌های اصلی تصمیم کارکنان برای جابه‌جایی یا تغییر شغل است، به‌ویژه در بخش‌های دولتی که شفافیت و عدالت در ساختار مزایا محدود است (Aghaz et al., 2017; Zamanzadeh et al., 2020). این فشارهای اقتصادی می‌توانند انگیزه و تعلق سازمانی را کاهش دهند و جابه‌جایی‌های واکنشی را افزایش دهند. علاوه‌بر مسائل اقتصادی، عوامل محیطی مانند فاصله محل خدمت، جابه‌جایی مکانی و فناوری می‌تواند بر جابه‌جایی منابع انسانی و رضایت شغلی تأثیرگذار باشند. اگرچه در ایران مطالعات

جدول ۳. تم‌ها، زیرتم‌ها و کدهای مطالعات منتخب مربوط به پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی

تم	زیرتم	نمونهٔ کدها	ماهیت
عملکرد و بهره‌وری	بهره‌وری فردی	افزایش یا کاهش بهره‌وری فردی به‌دلیل تغییر پست یا محیط کاری	دوجویی (مثبت یا منفی)
		ایجاد فرصت برای بهبود عملکرد یا اختلال در تداوم فعالیت‌ها	دوجویی
		ایجاد وقفه یا ناپیوستگی در جریان کاری فرد به‌دلیل تغییر پست یا محیط کاری	منفی
	بهره‌وری تیمی و سازمانی	تأثیر بر کیفیت خروجی کار و میزان کارایی شغلی	دوجویی
		کاهش هماهنگی و انسجام در تیم‌ها و واحدها	منفی

اختلال در جریان اطلاعات بین اعضای تیم و واحدها	منفی
نیاز به زمان برای سازگاری فرد و تیم با ساختار و فرایند جدید	دووجهی (پیامد طبیعی تغییر)
افزایش یا کاهش کلی کارآیی سازمان ناشی از جابه‌جایی منابع انسانی	دووجهی
تأثیر جابه‌جایی بر توانایی تیم‌ها و واحدها در دستیابی به اهدافشان	دووجهی
تأثیر جابه‌جایی بر تسریع مسیر رشد حرفه‌ای کارکنان و فرصت‌های پیشرفت شغلی	مثبت
تأثیر جابه‌جایی بر تأخیر در مسیر رشد حرفه‌ای و محدودیت فرصت‌های پیشرفت	منفی
افزایش مهارت‌های جدید در اثر جابه‌جایی	مثبت
کسب مهارت‌های جدید و توسعهٔ قابلیت‌های فردی	مثبت
تقویت توانایی‌ها و تجربه‌های فردی در محیط جدید	مثبت
افزایش فرصت‌های یادگیری و کسب تجربه حرفه‌ای به‌دلیل جابه‌جایی	مثبت
ازدست‌رفتن بخشی از دانش و تجربهٔ کارکنان هنگام جابه‌جایی	منفی
عدم انتقال کامل تجربیات قبلی به محیط یا تیم جدید	منفی
ضرورت ثبت و مستندسازی دانش برای حفظ حافظهٔ سازمانی	خنثی/اقدامی
خطر ازدست‌رفتن مهارت‌ها و تجربه‌های کلیدی سازمان در نتیجهٔ جابه‌جایی	منفی
افزایش انگیزهٔ کاری ناشی از فرصت‌ها و چالش‌های جدید	مثبت
بازسازی تصویر حرفه‌ای فرد در محیط جدید	مثبت
تقویت تعهد سازمانی یا کاهش انگیزش در صورت جابه‌جایی نامناسب	دووجهی
ایجاد تغییر در انگیزه‌ها و تمرکز فرد بر اهداف شغلی جدید	دووجهی
افزایش یا کاهش سطح رضایت کارکنان از شغل خود پس از جابه‌جایی	دووجهی
افزایش یا کاهش دلبستگی و تعلق فرد به سازمان	دووجهی
تقویت حس ارزشمندی یا بی‌توجهی سازمان به کارکنان	دووجهی
تأثیر جابه‌جایی بر تمایل کارکنان به ماندن در سازمان	دووجهی
تضعیف اعتماد کارکنان به مدیریت و تصمیمات جابه‌جایی	منفی
تلاش برای بازسازی اعتماد کارکنان در محیط جدید	مثبت (اقدام اصلاحی)
تقویت یا تضعیف مشروعیت و اعتبار تصمیمات مدیریتی	دووجهی
تغییر کیفیت تعاملات بین کارکنان و همکاران	دووجهی
ایجاد فرصت‌های همکاری و تعامل با اعضای جدید تیم	مثبت
احتمال شکل‌گیری تعارضات جدید در شبکه‌های کاری	منفی
تغییر در شبکه‌های اجتماعی سازمان و روابط حرفه‌ای	دووجهی
تأثیر جابه‌جایی بر کیفیت همکاری میان واحدهای مختلف سازمان	دووجهی
افزایش استرس و فشار روانی ناشی از تغییر محیط و مسئولیت‌ها	منفی
کاهش فشار روانی بر اثر فرصت‌ها و شرایط جدید	مثبت
احتمال بروز فرسودگی شغلی به‌دلیل تغییرات محیط کاری	منفی
ضرورت ارائهٔ حمایت روانی و پشتیبانی در دورهٔ جابه‌جایی	خنثی/اقدامی
تغییر میزان زمان اختصاص داده‌شده به کار و زندگی شخصی	دووجهی
افزایش یا کاهش رضایت فرد از توازن بین کار و زندگی	دووجهی
تأثیر تغییر محل کار بر زندگی خانوادگی و شخصی	دووجهی
افزایش فرصت‌های یادگیری و رشد مهارت‌ها در محیط جدید	مثبت
امکان حضور در پروژه‌ها و فعالیت‌های متنوع	مثبت
رشد شغلی سریع‌تر یا محدودیت یادگیری در پست جدید	دووجهی
افزایش توانایی تصمیم‌گیری و اختیار در محیط جدید	مثبت
محدودشدن آزادی عمل و توانایی تصمیم‌گیری	منفی

دووجهی	بهبود خلاقیت و نوآوری فردی یا کاهش آن	استمرار و ثبات سازمانی	پیامدهای سازمانی و استراتژیک
منفی	اختلال در تداوم فرایندهای کلیدی		
منفی	کاهش انسجام و ثبات واحدها در سازمان		
خنثی/تحویلی	ضرورت بازطراحی مسیرها و نقش‌ها در سازمان		
دووجهی	تأثیر جابه‌جایی بر هماهنگی و انسجام واحدهای سازمان		
دووجهی	تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های سازمانی در نتیجه جابه‌جایی	فرهنگ و رفتار سازمانی	پیامدهای اقتصادی و محیطی
دووجهی	تقویت یا تضعیف یادگیری سازمانی		
دووجهی	تغییر انگیزه‌ها و رفتارهای حرفه‌ای		
دووجهی	شکل‌گیری نگرش‌های جدید نسبت به جابه‌جایی‌ها		
دووجهی	تأثیر جابه‌جایی بر جهت‌گیری سیاسی و اداری در سازمان		
دووجهی	تغییر اولویت‌ها و نگرش‌ها نسبت به مدیریت منابع انسانی	سیاست‌ها و تصمیم‌گیری	پیامدهای اقتصادی و محیطی
مثبت	اصلاح یا تقویت سازوکارهای جابه‌جایی		
دووجهی	تأثیر جابه‌جایی بر شفافیت و وضوح تصمیمات مدیریتی		
دووجهی	افزایش یا کاهش هزینه‌های مرتبط با جابه‌جایی		
دووجهی	تغییر بهره‌وری مالی سازمان به دلیل جابه‌جایی کارکنان		
منفی	هدررفت منابع انسانی در اثر جابه‌جایی نامناسب	مهارت و سازگاری با فناوری	فناوری و نوآوری
مثبت	ارتقاء مهارت‌های فناورانه فرد در محیط جدید		
مثبت	توانایی تطبیق با فناوری‌ها و ابزارهای جدید در محیط کاری		
خنثی/پیش‌نیاز	ضرورت آموزش برای کار با فناوری‌ها و ابزارهای جدید		
دووجهی	تغییر وظایف و مسئولیت‌ها به دلیل استفاده از فناوری جدید		
منفی	دشواری یا ناتوانی فرد در سازگاری با فناوری‌ها و ابزارهای نوین		

۱- عملکرد و بهره‌وری

جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی می‌تواند بر بهره‌وری فردی کارکنان تأثیر بگذارد. پژوهش‌های کیفی نشان می‌دهند تغییر پست یا محیط کاری ممکن است فرصت‌هایی برای توسعه مهارت و بهبود عملکرد فرد فراهم کند، اما هم‌زمان می‌تواند اختلال در جریان کار و کاهش کیفیت خروجی ایجاد نماید و کارکنان نیازمند زمان برای تطبیق با محیط جدید هستند (ارجمندی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۶؛ آفاق و همکاران، ۲۰۱۷). تأثیر جابه‌جایی بر بهره‌وری تیمی و سازمانی نیز دووجهی است. پژوهش‌های کیفی ایرانی نشان می‌دهند جابه‌جایی کارکنان می‌تواند انسجام تیم و جریان اطلاعات بین اعضا را کاهش دهد، اما مدیریت هدفمند جابه‌جایی و پشتیبانی سازمانی می‌تواند موجب افزایش کارایی سازمان و توانایی تیم‌ها در دستیابی به اهداف شود (Nikooei et al., 2024).

۲- توسعه حرفه‌ای و مهارت‌ها

جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر توسعه حرفه‌ای و مهارت‌های فردی کارکنان داشته باشد. مطالعات کیفی نشان داده‌اند تغییر پست یا محیط کاری می‌تواند فرصت‌هایی برای رشد حرفه‌ای، کسب مهارت‌های جدید و تقویت تجربه‌های فردی فراهم کند، به‌ویژه وقتی نقش جدید با توانمندی‌ها و استعدادهای فرد هم‌راستا باشد (Nikooei et al., 2024).

۳- انگیزش و رضایت شغلی

جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر انگیزش و هویت شغلی کارکنان داشته باشد. مطالعات کیفی نشان می‌دهند تغییر محیط کاری یا پست سازمانی ممکن است فرصت‌های جدید و چالش‌های سازنده‌ای ایجاد کند که

2024). ازسوی دیگر، پژوهش‌های کیفی در ایران نشان داده‌اند جابه‌جایی غیرهدفمند یا بدون برنامه‌ریزی توسعه مهارتی می‌تواند موجب تأخیر در مسیر رشد حرفه‌ای، محدودیت فرصت‌های پیشرفت و ازدست‌رفتن بخشی از دانش و تجربه کارکنان شود، که نیازمند ثبت و مستندسازی دانش سازمانی است تا حافظه سازمانی حفظ شود (آفاق 2017, et al.).

تأثیر جابه‌جایی بر انتقال دانش و یادگیری سازمانی نیز دووجهی است. پژوهش‌های کیفی ایرانی نشان می‌دهند که جابه‌جایی کارکنان می‌تواند فرصت‌های یادگیری حرفه‌ای و انتقال تجربه را افزایش دهد، اما هم‌زمان خطر ازدست‌رفتن مهارت‌ها و تجربه‌های کلیدی سازمان وجود دارد و انتقال کامل تجربیات پیشین به محیط جدید تضمین نمی‌شود. بنابراین، سیاست‌های مدیریتی مانند برنامه‌های جانشین‌پروری، مستندسازی دانش و آموزش مهارت‌های جدید می‌توانند اثرات مثبت جابه‌جایی بر توسعه حرفه‌ای و مهارت‌ها را تقویت و پیامدهای منفی آن را کاهش دهند (مدرسی 2024, et al.).

موجب افزایش انگیزه کاری و بازسازی تصویر حرفه‌ای فرد می‌شود. با این حال، جابه‌جایی‌های نامناسب یا بدون برنامه‌ریزی می‌توانند انگیزش فردی و تعهد سازمانی را کاهش دهند و پیامدهای دوجوهی در رفتار شغلی ایجاد کنند (مدرسی et al., 2024).

تأثیر جابه‌جایی بر رضایت و تعلق سازمانی نیز دوجوهی است. پژوهش‌های کیفی ایرانی نشان داده‌اند که جابه‌جایی می‌تواند سطح رضایت شغلی و تعلق فرد به سازمان را تقویت یا تضعیف کند، بسته به نحوه مدیریت جابه‌جایی، میزان حمایت سازمانی و فرصت‌های توسعه حرفه‌ای ارائه شده. در برخی موارد، جابه‌جایی مناسب موجب افزایش حس ارزشمندی و ماندگاری کارکنان در سازمان شده و در موارد نامناسب، کارکنان ممکن است احساس بی‌توجهی کرده و انگیزه خود را از دست دهند (ارجمندی‌نژاد et al., 2016). این یافته‌ها بر اهمیت مدیریت هدفمند جابه‌جایی و سیاست‌های انگیزشی و حمایتی تأکید دارند.

۴- روابط و اعتماد

جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی می‌تواند بر اعتماد کارکنان به مدیریت و تصمیمات جابه‌جایی تأثیرگذار باشد. مطالعات کیفی نشان می‌دهند جابه‌جایی‌های نامنسجم یا بدون مشارکت کارکنان می‌تواند موجب تضعیف اعتماد به مدیران و اعتبار تصمیمات مدیریتی شود، درحالی‌که اقدامات هدفمند مانند اطلاع‌رسانی شفاف، مشارکت کارکنان و برنامه‌های حمایتی می‌تواند فرصت بازسازی اعتماد و تقویت مشروعیت مدیریت ایجاد کند (ارجمندی‌نژاد et al., 2016). این پیامدها دوجوهی هستند و کیفیت مدیریت جابه‌جایی تعیین‌کننده اثر نهایی بر اعتماد کارکنان است.

تأثیر جابه‌جایی بر تعاملات حرفه‌ای و شبکه‌های کاری نیز دوجوهی است. پژوهش‌های کیفی در ایران نشان می‌دهند جابه‌جایی می‌تواند فرصت‌های همکاری با اعضای جدید تیم و توسعه شبکه‌های حرفه‌ای ایجاد کند، اما هم‌زمان ممکن است تعارضات جدید و تغییرات نامطلوب در شبکه‌های اجتماعی سازمان شکل بگیرد و کیفیت همکاری میان واحدها را تحت تأثیر قرار دهد (مدرسی et al., 2024). بنابراین، مدیریت آگاهانه جابه‌جایی و پشتیبانی سازمانی می‌تواند پیامدهای مثبت این فرایند را تقویت و اثرات منفی آن را کاهش دهد.

۵- سلامت روان و فشار کاری

جابه‌جایی منابع انسانی می‌تواند پیامدهای معناداری برای سلامت روان کارکنان داشته باشد و از طریق تغییر در شرایط کاری، نقش‌ها و انتظارات شغلی، سطح استرس شغلی، فرسودگی روانی و امنیت روانی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش‌های کیفی در ایران نشان داده‌اند استرس شغلی و فشار روانی به‌ویژه پس از تغییر محیط کاری افزایش می‌یابد و با افزایش بار کاری و افزایش تقاضاهای

شغلی، کارکنان بیشتر در معرض فرسودگی شغلی قرار می‌گیرند. در مطالعه‌ای کیفی با هدف شناسایی عوامل استرس‌زا در میان کارکنان نظام سلامت ایران، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته نشان داد فشارهای ناشی از محیط و بار کار، کمبود منابع و حمایت، و انتظارات بالا از کارکنان به‌عنوان دغدغه‌های اصلی روانی شناسایی شدند که می‌توانند به فرسودگی شغلی و کاهش بهزیستی روانی منجر شوند (Zeinolabedini et al., 2022). ازسوی دیگر، تحقیقات بین‌المللی نشان داده‌اند حفظ تعادل کار و زندگی نقش مهمی در سلامت روان کارکنان دارد، به‌طوری‌که اختلال در این تعادل می‌تواند با احساس نارضایتی، کاهش رضایت از زندگی و تنش‌های خانوادگی همراه شود (Heydarikhayat et al., 2025; Zeinolabedini et al., 2022).

این یافته‌ها تأکید می‌کنند که جابه‌جایی منابع انسانی اگر بدون حمایت روانی و مدیریت مناسب انجام شود، می‌تواند به افزایش استرس، فشار روانی، فرسودگی و کاهش تعادل کار-زندگی منجر شود، اما با برنامه‌ریزی صحیح، پشتیبانی روانی و آموزشی می‌توان اثرات منفی را کاهش داد و سلامت روان کارکنان را بهبود بخشید.

۶- انگیزه و توسعه فردی

جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی می‌تواند فرصت‌های یادگیری و توسعه مهارت را برای کارکنان فراهم کند، زیرا تغییر محیط و نقش شغلی اغلب آنان را در معرض تجربیات جدید قرار می‌دهد. اما همراه با این فرصت‌ها، فشارها و بارهای شغلی جدید نیز تجربه می‌شود، به‌طوری‌که کارکنان نقش‌های تازه و مسئولیت‌های متفاوت را استرس‌زا توصیف می‌کنند (Zeinolabedini et al., 2022).

علاوه‌براین، رهبری تحول‌گرا و کیفیت زندگی شغلی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت انگیزه و توسعه فردی داشته باشد، زیرا تعامل مدیران با کارکنان بر انسجام و رشد حرفه‌ای آنان اثر می‌گذارد (Shabani et al., 2024).

۷- پیامدهای سازمانی و استراتژیک

جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی می‌تواند پیامدهای مهمی برای استمرار و ثبات سازمانی داشته باشد، زیرا تغییرات مکرر فرد در نقش‌ها و واحدهای سازمانی می‌تواند سبب اختلال در فرایندهای کلیدی، کاهش انسجام واحدها و دشواری در هماهنگی میان بخش‌ها شود؛ این نکته در برخی تحلیل‌های کیفی درباره فرهنگ نظارت و شفافیت در سازمان‌های دولتی ایران اشاره شده است؛ جایی که عوامل ساختاری و فرهنگی در نحوه پاسخ سازمان به تغییرات نقش‌آفرینی می‌کنند و زمینه تأخیر و اختلال در فرایندها را فراهم می‌آورند. این پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند بازطراحی مسیرها و بازتعریف نقش‌ها در چهارچوب سیاست‌های منابع انسانی می‌تواند زمینه تحولات مثبت در ساختار و هماهنگی سازمانی را ایجاد کند، زیرا فرهنگ سازمانی و رفتار حرفه‌ای در

صورت طراحی استراتژیک باعث بهبود بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع شوند (Boudlaie et al., 2019). این رویکردها نشان می‌دهند برای فهم پیامدهای اقتصادی جابه‌جایی، باید به ساختارهای راهبردی HRM و نحوه تخصیص منابع توجه کرد، زیرا پیامدها نه فقط مالی، بلکه در بهره‌وری و پایداری منابع انسانی آشکار می‌شوند.

۹- فناوری و نوآوری

جابه‌جایی کارکنان در محیط‌های فناورمحور می‌تواند به صورت دوجویی بر مهارت‌های فناورانه و سازگاری با فناوری اثر بگذارد؛ به گونه‌ای که در صورت آموزش و حمایت سازمانی باعث ارتقای مهارت‌های دیجیتال و بهبود عملکرد می‌شود، اما در نبود این حمایت‌ها، تغییر ابزارها و وظایف کاری می‌تواند باعث دشواری در تطبیق و کاهش کارایی شود. مطالعات کیفی انجام‌شده در ایران نشان داده‌اند تجربه کاربران، آموزش و پشتیبانی سازمانی نقش کلیدی در موفقیت یا ناکامی کارکنان در استفاده از فناوری‌های جدید دارد (Abbasi et al., 2023; Farokhzadian et al., 2020; اشرف et al., 2025).

شکل شماره ۲ مدل مفهومی برآمده از یافته‌های مرور دامنه‌ای و فراترکیب کیفی را نشان می‌دهد که الگوی یکپارچه‌ای از جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ارائه می‌کند. براساس این مدل، جابه‌جایی منابع انسانی پدیده‌ای چندسطحی و زمینه‌مند است که از تعامل بسترهای نهادی و ساختاری کلان، نظام‌ها و رویه‌های سازمانی منابع انسانی و ادراک و تجربه حرفه‌ای کارکنان شکل می‌گیرد. این عوامل در قالب یک فرایند جابه‌جایی نمود می‌یابند که ماهیت آن می‌تواند از برنامه‌ریزی شده و شایستگی‌محور تا واکنشی و سیاسی متغیر باشد و کیفیت آن تحت تأثیر سازوکارهایی نظیر میزان مشارکت کارکنان، شفافیت تصمیمات و سطح حمایت مدیریتی قرار دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد این فرایند، پیامدهای دوجویی (مثبت یا منفی) در سطوح فردی، سازمانی و راهبردی ایجاد می‌کند که شامل تغییر در انگیزش و رضایت شغلی، بهره‌وری و انتقال دانش، اعتماد سازمانی، پایداری و کارایی اقتصادی سازمان است. افزون‌براین، نتایج حاکی از آن است که پیامدهای جابه‌جایی از طریق یک حلقه بازخورد پویا و انباشتی، بر شرایط زمینه‌ای و الگوهای آتی جابه‌جایی اثر می‌گذارند و می‌توانند موجب بازتولید جابه‌جایی‌های واکنشی یا تقویت جابه‌جایی‌های هدفمند در سازمان شوند.

مواجهه با جابه‌جایی، بسته به بستر نهادی و دیدگاه مدیران و کارکنان، می‌تواند دوجویی عمل کند (Pourkhodabakhshi et al., 2025).

از نظر فرهنگ و رفتار سازمانی و سیاست‌های تصمیم‌گیری، پژوهش‌های کیفی انجام‌شده در سازمان‌های دولتی ایران نشان می‌دهند که عوامل فرهنگی مانند شفافیت، مسئولیت‌پذیری و یادگیری سازمانی در واکنش به تغییرات ساختاری و جابه‌جایی‌ها نقش حیاتی دارند. برای مثال، در مدل توسعه‌یافته فرهنگ نظارت محور، ویژگی‌هایی مانند پذیرش انتقاد، اخلاق حرفه‌ای و یادگیری سازمانی از مضامینی هستند که گزارش شده‌اند تحت تأثیر تغییرات ساختاری در سازمان قرار می‌گیرند و می‌توانند الگوهای رفتاری کارکنان و نگرش آن‌ها نسبت به مدیریت منابع انسانی را دگرگون کنند (Golrokh et al., 2025).

همچنین تأکید بر فرهنگ مسئولیت‌پذیری بدون سرزنش می‌تواند به تقویت شفافیت در تصمیم‌گیری و اصلاح سازوکارهای جابه‌جایی کمک کند، که در برخی مطالعات کیفی در مدیریت بخش دولتی ایران مورد بررسی قرار گرفته است (Golrokh et al., 2025).

۸- پیامدهای اقتصادی و محیطی

در سازمان‌های دولتی ایران، جابه‌جایی کارکنان می‌تواند پیامدهای اقتصادی دوگانه‌ای داشته باشد که شدت و جهت آن‌ها به کیفیت مدیریت منابع انسانی وابسته است. مطالعات کیفی نشان می‌دهند تصمیمات نادرست در تخصیص نیروی انسانی و سیاست‌های ناکارآمد منجر به هدررفت منابع، ایجاد هزینه‌های پنهان و کاهش بهره‌وری سازمانی می‌شود؛ به طوری که حتی در شرایط بحرانی مانند بحران سلامت، کمبود نیرو و افزایش بار کاری، فشارهای اقتصادی فراتر از هزینه‌های مستقیم را بر سازمان تحمیل می‌کند. بنابراین، کارایی مالی این سازمان‌ها مستقیماً در گرو تطابق بهینه مهارت‌ها با نقش‌ها و اصلاح ساختارهای مدیریت منابع انسانی است (Lotfian et al., 2025).

همچنین پژوهش‌های کیفی در حوزه تحلیل مؤلفه‌های Scorecard منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران نشان داده‌اند مؤلفه‌هایی مانند توزیع بودجه، توسعه سیستم اطلاعات منابع انسانی، توانمندسازی کارکنان و تخصیص بهینه منابع از مهم‌ترین موضوعات راهبردی هستند که اگر به درستی مدیریت نشوند، می‌توانند باعث هدررفت منابع انسانی و مالی شوند یا در



شکل ۲. مدل مفهومی یکپارچه جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی (برآمده از مرور دامن‌های و فراترکیبی کیفی)

بحث

یافته‌های این مطالعه نشان داد جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی پدیده‌ای چندبعدی، زمینه‌مند و پویا است که از تعامل هم‌زمان عوامل ساختاری، مدیریتی، فردی و نهادی شکل می‌گیرد و پیامدهایی دوجبه‌ای در سطوح فردی، سازمانی و راهبردی به همراه دارد. این الگو با ادبیات بین‌المللی مدیریت منابع انسانی در بخش عمومی همسو بود که جابه‌جایی را نه صرفاً یک تصمیم اداری، بلکه فرایندی اجتماعی-سازمانی و متأثر از شرایط نهادی و محیطی تلقی کرده‌اند (Co-operation et al., 2023; Bakos, 2025).

پیشایندها

مطابق یافته‌های این مطالعه، ساختارهای بوروکراتیک، سلسله‌مراتب پیچیده و ابهام مقرراتی از مهم‌ترین پیشایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران هستند. این یافته با ادبیات تثبیت‌شده در زمینه نظام‌های اداری بوروکراتیک،

به‌ویژه در کشورهای دارای دولت متمرکز، هم‌خوانی دارد. شواهد تطبیقی از ایتالیا، اسپانیا و کشورهای اروپای شرقی نشان می‌دهد تمرکز تصمیم‌گیری، سلسله‌مراتب سخت و سفت و مسیرهای شغلی بسته، تحرک درون‌سازمانی را محدود کرده و جابه‌جایی را به یکی از معدود ابزارهای پیشرفت حرفه‌ای کارکنان تبدیل می‌کند (Co-operation et al., 2023; Meyer-Sahling et al., 2011). در کشورهای آسیایی مانند چین و کره جنوبی نیز گزارش شده است که تفسیر سلیقه‌ای مقررات و نفوذ روابط غیررسمی در انتصاب و انتقال، اعتماد کارکنان به نظام شایسته‌سالاری را تضعیف کرده و نیت جابه‌جایی را افزایش می‌دهد (Kim, 2012). یافته‌های حاضر با نتایج مطالعات داخلی نیز هم‌خوانی داشت. به‌طور مشخص، آقا و همکاران نشان داده بودند که ساختارهای سلسله‌مراتبی، مقررات پیچیده و ضعف شایسته‌سالاری از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت منابع انسانی در وزارتخانه‌های دولتی ایران محسوب می‌شوند (Aghaz et al., 2017). همچنین زارع و همکاران در مدل حکمرانی منابع انسانی سازمان تأمین اجتماعی، ضعف شفافیت و نارسایی‌های ساختار حکمرانی را از عوامل مؤثر بر

2021). مطالعات انجام شده در بخش دولتی آلمان و روسیه نشان داده‌اند که استفاده ناکارآمد از تخصص کارکنان، یکی از دلایل اصلی جابه‌جایی‌های درون سازمانی و کاهش بهره‌وری است (Bischof, 2021; Varshavskaya et al., 2023).

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی، محافظه‌کارانه و فقدان یادگیری سازمانی، بستر جابه‌جایی‌های واکنشی را تقویت می‌کند. این نتایج با پژوهش‌های بین‌المللی هم‌خوانی دارد که نشان می‌دهند فرهنگ‌های سازمانی مبتنی بر کنترل و اجتناب از ریسک، ظرفیت سازمان‌ها برای حفظ و توسعه نیروی انسانی را تضعیف می‌کنند (Chahal, 2017). در مقابل، مطالعات انجام شده در سازمان‌های دولتی نیوزیلند و هلند نشان داده‌اند که ایجاد امنیت روانی، بازخورد توسعه‌محور و یادگیری سازمانی، حتی در شرایط جابه‌جایی، می‌تواند تعهد و انگیزش کارکنان را حفظ کند (Dong et al., 2024). یافته‌های مطالعه حاضر درباره نقش روابط کاری، اعتماد و جو روانی، این دیدگاه را در بافت ایران تأیید می‌کند. یافته‌های مربوط به فرهنگ سازمانی با نتایج مطالعات داخلی نیز همخوانی داشت. گلرخ و همکاران نشان داده بودند فقدان فرهنگ مسئولیت‌پذیری و غلبه رویکردهای سرزنش‌محور می‌تواند رضایت شغلی و همکاری کارکنان را تضعیف کند (Golrokh et al., 2025). این نتایج با یافته‌های پژوهش حاضر درباره نقش اعتماد، روابط کاری و امنیت روانی در تجربه جابه‌جایی کارکنان همسو بود.

پیامدها

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه، ماهیت دووجهی پیامدهای جابه‌جایی منابع انسانی است. مشابه مطالعات انجام شده در کشورهای OECD، جابه‌جایی می‌تواند هم‌زمان موجب ارتقای مهارت، یادگیری و انگیزش شود و در عین حال باعث اختلال در عملکرد، افزایش استرس و اتلاف دانش گردد (OECD, 2021a, 2023). این دوگانگی نشان می‌دهد «کیفیت مدیریت جابه‌جایی» عامل تعیین‌کننده پیامدهای نهایی است، نه صرف وقوع آن. مطالعات انجام شده در نظام‌های سلامت انگلستان و سوئد نشان داده‌اند جابه‌جایی بدون حمایت آموزشی و روانی، خطر فرسودگی شغلی را افزایش می‌دهد، درحالی‌که جابه‌جایی برنامه‌ریزی شده با پشتیبانی سازمانی باعث بهبود سلامت روان و توسعه حرفه‌ای می‌شود (Collett et al., 2025). این یافته‌ها با نتایج مطالعه حاضر درباره فشار کاری، سلامت روان و تعادل کار-زندگی هم‌راستا است.

در سطح سازمانی و راهبردی، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد جابه‌جایی می‌تواند بر پایداری سازمان، بهره‌وری اقتصادی و ظرفیت نوآوری اثر بگذارد. مطالعات بین‌المللی نشان داده‌اند جابه‌جایی‌های مکرر و غیرهدفمند، هزینه‌های پنهان منابع انسانی را افزایش داده و حافظة سازمانی را تضعیف می‌کند (Al-Suraihi

جابه‌جایی و بازتعریف نقش‌های شغلی معرفی کرده بودند (Zare et al., 2023). این شواهد نشان داد یافته‌های مطالعه حاضر با واقعیت‌های نظام اداری ایران نیز سازگار بود.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد سبک‌های رهبری آمرانه، تصمیم‌گیری متمرکز و فقدان مشارکت کارکنان در فرایندهای جابه‌جایی، نقش کلیدی در شکل‌گیری جابه‌جایی‌های واکنشی دارند. این نتایج با مطالعات بین‌المللی که بر نقش رهبری تحول‌گرا و مشارکتی در مدیریت تحرک نیروی انسانی تأکید دارند، هم‌راستا است. پژوهش‌های انجام شده در بخش دولتی کشورهای اسکاتلندی و نشان داده‌اند که مشارکت کارکنان در تصمیمات شغلی و شفافیت مدیریتی، اثرات منفی جابه‌جایی را کاهش داده و حتی می‌تواند آن را به ابزاری برای توانمندسازی تبدیل کند (Øllgaard Bentzen et al.; Wright et al., 2010).

در مقابل، مطالعات انجام شده در سازمان‌های دولتی خاورمیانه و برخی کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد استفاده ابزاری از جابه‌جایی به عنوان ابزار کنترل یا تنبیه، موجب تضعیف اعتماد، کاهش تعهد سازمانی و افزایش نیت ترک خدمت می‌شود (Edrees et al., 2023; Moon et al., 2024). شعبانی و همکاران نیز در تبیین الگوی رهبری تحول‌آفرین در سازمان‌های دولتی نشان داده بودند که فقدان رهبری تحول‌آفرین و مشارکت‌محور می‌تواند تعهد حرفه‌ای کارکنان را تضعیف کرده و زمینه جابه‌جایی آنان را فراهم سازد (Shabani et al., 2024). همچنین لطفیان و همکاران گزارش کرده بودند که فشار کاری، کمبود منابع و ضعف حمایت مدیریتی در دوران کووید-۱۹ از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر جابه‌جایی و فرسودگی کارکنان نظام سلامت بوده است (Lotfiyan et al., 2025). نتایج مطالعه حاضر نیز نقش تعیین‌کننده عدالت ادراک شده، حمایت مدیریتی و سبک رهبری را در تجربه جابه‌جایی کارکنان تأیید کرد.

یکی از یافته‌های کلیدی این مطالعه، نقش محوری ضعف نظام توسعه شغلی، جانشین‌پروری و مدیریت استعداد در جابه‌جایی منابع انسانی است. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند در غیاب مسیرهای شغلی شفاف، کارکنان بخش عمومی جابه‌جایی را به عنوان راهبردی فردی برای یادگیری و رشد حرفه‌ای انتخاب می‌کنند (OECD, 2021b). در کشورهایی مانند کانادا و استرالیا، طراحی مسیرهای شغلی مبتنی بر شایستگی و جابه‌جایی‌های برنامه‌ریزی شده موجب شده است تحرک نیروی انسانی به افزایش سرمایه انسانی منجر شود، نه اتلاف آن (Australian Government, 2023; Government of Canada, 2024). یافته‌های مربوط به عدم تناسب فرد-شغل نیز با ادبیات گسترده روان‌شناسی سازمانی هم‌راستا است.

نظریه تناسب فرد-شغل تأکید می‌کند که ناهماهنگی میان توانمندی‌های فرد و الزامات شغل، رضایت شغلی و تعهد سازمانی را کاهش داده و نیت جابه‌جایی را افزایش می‌دهد (Xiao et al.,

هدفمند و مبتنی بر شایستگی می‌تواند باعث توسعه حرفه‌ای، یادگیری سازمانی و ارتقای بهره‌وری شود، اما در غیاب چنین شرایطی، پیامدهایی همچون کاهش اعتماد، اتلاف دانش سازمانی، افت انگیزش و تضعیف ثبات سازمانی را به دنبال خواهد داشت. این امر نشان می‌دهد کیفیت و منطق حاکم بر فرایند جابه‌جایی، نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج آن دارد.

در مجموع، یافته‌های این مطالعه بر ضرورت بازنگری در سیاست‌ها و رویه‌های جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران تأکید دارد. از منظر سلامت روان، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی می‌تواند به عنوان یک عامل خطر یا عامل محافظ عمل کند. جابه‌جایی‌های فاقد شفافیت و حمایت، با افزایش استرس شغلی، فرسودگی روانی و کاهش بهزیستی روان‌شناختی همراه هستند، درحالی‌که جابه‌جایی‌های برنامه‌ریزی‌شده و مشارکتی می‌توانند به بهبود سلامت روان، رضایت شغلی و تعادل کار-زندگی کارکنان منجر شوند. اتخاذ رویکردی راهبردی، شفاف و مشارکت‌محور در مدیریت جابه‌جایی می‌تواند این پدیده را از یک چالش مزمن به فرصتی برای توانمندسازی منابع انسانی و ارتقای پایداری سازمان‌های دولتی تبدیل کند.

تشکر و قدردانی

این مقاله از رساله دکتری در سال ۱۴۰۴ دانشگاه آزاد اسلامی سنندج برگرفته شده است. از تمامی کسانی که در این پژوهش با ما همکاری نمودند کمال تشکر را داریم. از اساتید محترم راهنما و مشاور نیز که مسیر را برایم هموار نمودند نیز سپاس گزارم.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافع را اعلام نکرده‌اند.

et al., 2021; Pascoe et al., 2021). در مقابل، نظام‌های مدیریت منابع انسانی راهبردی که جابه‌جایی را با مدیریت دانش، فناوری و توسعه مهارت‌ها پیوند می‌دهند، از این فرایند به عنوان اهمی برای نوآوری استفاده می‌کنند (Guha et al., 2025). در سطح راهبردی نیز یافته‌های حاضر با نتایج مطالعات داخلی مطابقت داشت. قنبری و همکاران نشان داده بودند استقرار مدیریت منابع انسانی الکترونیک موجب بازتعریف نقش‌ها، افزایش شفافیت و بهبود کارایی سازمانی می‌شود (Ghanbary Vanani et al., 2022). همچنین اشرف در مطالعه حکمرانی هوشمند منابع انسانی تأکید کرده بود که بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌تواند کیفیت تصمیم‌گیری‌های منابع انسانی و مدیریت تحرک کارکنان را ارتقا دهد (اشرف و همکاران، ۲۰۲۵). یافته‌های مطالعه حاضر نیز نشان داد پیوند جابه‌جایی با مدیریت دانش، فناوری و توسعه مهارت‌ها می‌تواند پیامدهای راهبردی مثبتی برای سازمان‌های دولتی ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بهره‌گیری از مرور دامنهای و فراترکیب کیفی، به تبیین جامع پیشایندها و پسایندهای جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران پرداخت. یافته‌ها نشان داد جابه‌جایی منابع انسانی پدیده‌ای چندبعدی و زمینه‌مند است که از تعامل عوامل ساختاری، مدیریتی و فردی شکل می‌گیرد و نمی‌توان آن را صرفاً به عنوان یک تصمیم اداری تلقی کرد. ضعف شفافیت، فقدان شایسته‌سالاری، ناکارآمدی نظام‌های توسعه شغلی، سبک‌های رهبری نامناسب و فشارهای شغلی از مهم‌ترین پیشایندهای جابه‌جایی شناسایی شدند.

نتایج همچنین بیانگر آن است که جابه‌جایی منابع انسانی دارای پیامدهای دوگانه است؛ به گونه‌ای که در صورت مدیریت

REFERENCES

- Abbasi H, et al. End-users' perspectives on factors affecting implementation and utilization of the Iranian electronic health record system: a qualitative study in a developing country. BMC Health Serv Res. 2023;23(1):1064. [DOI: 10.1186/s12913-023-10033-5]
- Aghaz A, et al. Human resource management in the public sector: an investigation into the Iranian ministries. Interdiscip J Manag Stud. 2017;10(3):667-695. [Link]
- Al-Suraihi WA, et al. Employee turnover: causes, importance and retention strategies. Eur J Bus Manag Res. 2021;6(3):1-10. [Link]
- Argiv H, et al. Designing and explaining the employability model with emphasis on urban management: a qualitative study in public organizations. Future Work Digit Manag J. 2025;3(1):1-13. [Link]
- Ashforth B. Role transitions in organizational life: an identity-based perspective. Routledge; 2000. [DOI: 10.4324/9781410600035]
6. Australian Government. APS talent management. 2023. [Link]
- Bakos E. An international framework for human resource management indicators in public administration. OECD Working Papers on Public Governance. 2025. [DOI: 10.1787/03763bab-en]
- Bischof S. Mismatched, but not aware of it? How subjective and objective skill mismatch affects employee job satisfaction. Soc Sci. 2021;10(10):389. [DOI: 10.3390/socsci10100389]
- Boudlaie H, et al. A qualitative study of human resource scorecard in the public sector with the key stakeholders approach: a case study of Kish free zone organization. J Public Adm. 2019;11(4):581-607. [Link]
- Chahal H. Study of organisational culture, employee turnover and employees' retention in hospitality sector. Pac Bus Rev Int. 2017;9(11). [Link]
- Organisation for Economic Co-operation and Development, et al. Public employment and management 2023: towards a more flexible public service. OECD Publishing; 2023. [DOI: 10.1787/5b378e11-en]
- Collett G, et al. The impact of workplace support components on the mental health and burnout of UK-based healthcare professionals: insights from the CoPE-HCP cohort study.

- دوماهنامه علمی، پژوهشی، روانشناسی و روانبزشکی، شناخت، دوره ۱۳، شماره ۲، خرداد و تیر ۱۴۰۵ | ۲۲۵

- Mashhad Municipality. Productivity Management. 2016;39(10):41–66. [\[Link\]](#)
53. Ashraf, M., et al. Identification of the Dimensions of Smart Human Resource Governance in the Iranian Public Sector (Case Study: National Iranian Oil Company). [\[Link\]](#)
 54. Afaq, A. N., et al. An Exploratory Study of the Components Affecting Human Resource Productivity in an Islamic Context from the Perspective of Employees of Mashhad Municipality. [\[Link\]](#)
 55. Chogan, R., et al. Developing a Qualitative Model of Professionalism in Human Resource Management with an Emphasis on Strengthening the Professional Position of Human Resources in the National Tax Administration Organization. Individual Development and Organizational Transformation. 2025;3(1):1–16. [\[Link\]](#)
 56. Rahdarpoor, J. Identifying Strategies, Barriers, and Contexts for Human Resource Management in Government Organizations in the Digital Era. Management, Education and Development in the Digital Era. 2025:1–14. [\[Link\]](#)
 57. Abdollahi, N., et al. Regulatory Analysis of the Implementation of the Training and Empowerment System for Employees of Executive Bodies. 2024. [\[Link\]](#)
 58. Modarresi, et al. Identifying the Challenges of Teleworking Based on the Lived Experience of Employees. Management Research in Iran. 2024;28(3):93–125. [\[Link\]](#)
 59. Mostafa, T. Examining the Challenges of Human Resource Management in Government Organizations. In: Proceedings of the Second National Conference on Humanities with a New Approach and the First International Research and Cultural Conference of Modern Educators; 2025. [\[Link\]](#)